

شخصیت‌شناسی معاویه در کلام امیرالمؤمنین علی(ع)

حسن بشیر*

محمد جانی پور**

چکیده

آنچه تاکنون در حوزه مطالعات تاریخ اسلام و حوادث دوران حکومت امیرالمؤمنین(ع) مطرح شده، بیشتر تبیین تاریخی حوادث بوده که موجب شده است بسیاری از جوانب فرهنگی و اجتماعی آن‌ها مغفول مانده و تنها به گزارش شرح حال از روند وقایع اکتفا شود. به نظر می‌رسد آنچه امروزه می‌تواند راه‌گشای فهم بسیاری از وقایع آن دوران باشد، تبیین دیدگاه‌ها و مبانی نظری آن حضرت(ع) از خلال کلام و گفتار ایشان است؛ زیرا زبان آدمی، معرف شخصیت اوست و به‌واسطه فهم گفتمان هر شخص و چینش منطقی کلمات او در کنار همدیگر و تحلیل محتوای آن‌هاست که می‌توان به درکی جامع از دیدگاه‌های آن فرد دست یافت و همچنین، با نگاهی کلی به منطق حاکم بر مجموعه باقیمانده از کلمات ایشان و تحلیل محتوای آن‌ها، امکان بازسازی یک سامانه کامل و تصویرپردازی از نگاه آن حضرت(ع) به وجود می‌آید. به عبارت دیگر، با تأملی دقیق و چینش منطقی کلمات و جملات، سخنان یا نوشته‌های افراد و تحلیل محتوای کیفی آن‌ها می‌توان تا اندازه زیادی به اعماق اندیشه‌های آنان آگاهی یافت. این مقاله به دنبال این است که با بررسی مضامین نامه‌های مبادله‌شده بین حضرت علی(ع) و معاویه در دوران کوتاه حکومت حضرت(ع) به روش تحلیل محتوا، به نگاهی جامع در مورد مبانی سیاسی، فکری، عقیدتی و اخلاقی معاویه از نگاه حضرت علی(ع) دست پیدا کنیم.

واژگان کلیدی

امیرالمؤمنین علی(ع)، نهج‌البلاغه، معاویه، مکاتبات، تحلیل محتوا

مقدمه

گرچه بسیاری از پژوهشگران حوزه مطالعات تاریخ اسلام و تاریخ تشیع کوشیده‌اند به بازشناسی وقایع تاریخی دوران حکومت امیرالمؤمنین(ع) و شخصیت‌شناسی دشمنان ایشان پردازند، لیکن آنچه تاکنون مطرح شده، بیشتر تبیین تاریخی حوادث همراه با غلبه نگاه تاریخ‌نگاری به آن‌ها بوده است.

به نظر می‌رسد آنچه امروزه می‌تواند راه‌گشای فهم بسیاری از وقایع آن دوران باشد، تبیین دیدگاه‌ها و مبانی نظری آن حضرت(ع) از خلال کلام ایشان است؛ زیرا به واسطه فهم گفتمان هر شخص و چینش منطقی کلمات او در کنار همدیگر و تحلیل محتوای آن‌ها، می‌توان تا اندازه زیادی به درکی جامع از دیدگاه‌های آن فرد در رابطه با وقایع عصر او دست یافت؛ چنان‌که خود حضرت امیرالمؤمنین(ع) نیز بر این مسئله تأکید دارند: «تَكَلَّمُوا تُعَرَّفُوا فَإِنَّ الْمَرْءَ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ» (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۹۲)؛ سخن بگویند تا شناخته شوید؛ زیرا انسان در زیر زبان خود پنهان است.

«بنی‌امیه» که در کلام حضرت(ع) از آنان تعبیر به «قاسطین» شده، از جمله مهم‌ترین و اثرگذارترین مخالفان حکومت حق بوده‌اند که اقدامات آنان، پیامدها و آثار اثرگذاری در تاریخ اسلام داشته است و همان‌طور که حضرت(ع) نیز می‌فرمایند خطر آنان، بیشتر از دیگر جریان‌های مخالف حکومت علوی بوده است: «أَلَا وَإِنَّ أَخْوَفَ الْفِتَنِ عِنْدِي عَلَيْكُمْ فِتْنَةُ بَنِي أُمَيَّةَ فَإِنَّهَا فِتْنَةٌ عَمِيَاءُ مُظْلِمَةٌ عَمَّتْ خَطْبَتُهَا» (همان، خطبه ۹۳)؛ آگاه باشید! ترسناک‌ترین فتنه‌ها برای شما از نظر من فتنه بنی‌امیه است، فتنه‌ای است کور، و ظلمانی که حکومتش همه‌جا فراگیر شده است.

از هنگام بیعت عمومی مردم با حضرت امیرالمؤمنین(ع) تا اتمام جنگ صفین، نامه‌های متعددی میان امام(ع) و معاویه رد و بدل شده که براساس تحقیقات صورت گرفته و مطالعه کتب تاریخی تعداد آن‌ها به ۳۲ نامه می‌رسد، درحالی‌که سید رضی در نهج‌البلاغه تنها ۱۶ نامه از امام(ع) به معاویه را نقل کرده است که البته بسیاری از آن‌ها در حقیقت تلفیقی از یک نامه بوده و در مواردی هم چندین نامه به صورت واحد در نهج‌البلاغه درج شده است. هرچند در این مقاله مجال ذکر کلیه نامه‌های حضرت(ع) و

معاویه نیست؛ لکن تا حد امکان سعی شده است نتایج و نکات مهم آن‌ها به تفکیک مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار بگیرد.

در این میان تلاش می‌شود با بررسی مضامین به‌کاررفته در نامه‌های حضرت علی(ع) نسبت به معاویه، به نوعی به کالبدشکافی شخصیت معاویه پرداخته و مبانی فکری، عقیدتی و سیاسی او را براساس کلام حضرت تحلیل نماییم.

۱. اهمیت پژوهش

در رابطه با کلمات امیرالمؤمنین(ع) و کتاب شریف «نهج‌البلاغه» سخن بسیار گفته شده و کتب و مقالات متعددی نیز نوشته شده است ولیکن تاکنون تحقیقی در زمینه تبیین مبانی و دیدگاه‌های آن حضرت پیرامون یک واقعه یا شخصیت خاص و از خلال مکاتبات ایشان با رویکرد تحلیل محتوا و در قالب یک مقاله علمی صورت نپذیرفته است؛ به‌علاوه، اینکه کلمات و نامه‌های آن حضرت(ع) خطاب به معاویه و پاسخ‌های معاویه به ایشان در کتب مختلف به‌صورت پراکنده و در قالب بررسی گزارش‌های تاریخی ذکر شده و از تبیین ساختار کلی این نامه‌ها و کشف مبانی فکری و عقیدتی دو طرف در رابطه با یکدیگر و همچنین جنگ صفین، سخنی به میان نیامده است.

نکته مهم این مقاله در این است که برخلاف کتب تاریخی و یا شرح‌حال‌نگاری که تنها از کلمات حضرت(ع) برای استنادات تاریخی استفاده می‌کنند، در پی این است که از رویکرد تاریخی چشم‌پوشی کرده و صرفاً به تحلیل محتوای آنچه حضرت علی(ع) در آن زمان خطاب به معاویه، شامیان و مسئله جنگ صفین بیان فرموده‌اند، بپردازد و از خلال آن، دیدگاه‌ها و مبانی ایشان را استخراج نماید.

همچنین، از آنجاکه این کلمات، نوشته‌های یک فرد عادی نبوده و از معصوم(ع) صادر شده است، می‌توان از تحلیل محتوای آن‌ها به اصول و مبانی دست یافت که راه‌گشای حاکمان و حکومت اسلامی در برخورد با حوادثی مشابه باشد؛ زیرا کلام معصوم(ع) در واقع تبیین‌کننده سنت رسول اکرم(ص) و تفسیر قرآن کریم است (معارف، ۱۳۸۳، ص ۹۳).

بنابراین، هدف از این تحقیق را می‌توان تبیینی کل‌نگرانه و ساختاری از دیدگاه‌های حضرت(ع) و مبانی فکری ایشان در رابطه با شخصیت معاویه و به‌طور کل مخالفان حکومت حق دانست چرا که با تأملی انتزاعی و چینش منطقی کلمات یک فرد در کنار همدیگر و تحلیل محتوای آن‌ها می‌توان به اعماق اندیشه‌های او آگاهی یافت.

۲. روش پژوهش

با رشد جامعه انسانی و توسعه علوم و تکنولوژی، انسان به محدودیت روش‌های پژوهش اولیه در علوم اجتماعی و علوم انسانی پی برده و با تأمل بسیار روش‌های نوینی را ابداع کرد تا بتواند در عرصه پژوهش‌های شناخت روابط انسانی و فرهنگی از پایایی و روایی بیشتری برخوردار باشد.

روش پژوهش علمی عبارت است از: «مجموعه‌ای از قواعد، ابزار و راه‌های معتبر و نظام‌یافته برای بررسی واقعیت‌ها، کشف مجهولات و دستیابی به راه حل مشکلات» (عزتی، ۱۳۷۶، ص ۱۴۴).

یکی از مهم‌ترین روش‌های شناسایی و جمع‌آوری داده‌ها (اطلاعات) که با توجه به موضوع، شرایط و هدف این تحقیق کاربرد بیشتری برای محققان داشته است، روش بررسی اسناد است که از طریق اسناد مکتوب نظیر انتشارات عمومی، نسخه‌های محدود، اسناد کمیاب و نقشه‌ها، و اسناد غیرمکتوب نظیر عکس‌ها، فیلم‌ها، آثار هنری به جامانده از گذشتگان صورت می‌گیرد (کرپیندورف، ۱۳۷۸، ص ۳۵).

در این پژوهش که به دنبال پاسخ‌گویی به نتایج اصلی و نهفته برخاسته از مکاتبات امیرالمؤمنین(ع) و معاویه است، از روش «تحلیل محتوا»^۱ استفاده شده که روشی پژوهشی و علمی برای تفسیر «متن»^۲ است که تشریح می‌گردد.

لورنس باردن در کتاب خود با عنوان «تحلیل محتوا» اشاره می‌کند که «تحلیل محتوا در حقیقت فن پژوهش عینی، اصولی و کمی به‌منظور تفسیر و تحلیل محتواست و تفکر بنیادی تحلیل محتوا عبارت است از: قرار دادن اجزای یک متن (کلمات، جملات، بندها و مانند آن برحسب واحدهایی که انتخاب می‌شوند) در مقولاتی که از پیش تعیین شده‌اند» (باردن، ۱۳۷۵، ص ۲۹).

در حقیقت، تحلیل محتوا در رابطه با متنی معنی پیدا می‌کند که آن متن برای انتقال پیام و مفاهیمی نوشته شده باشد و دارای ماهیتی مشخص باشد؛ لذا تحلیل محتوا در مورد کلمات عامیانه‌ای که دارای مفاهیم ساده بدیهی و مشخصی هستند، به کار نمی‌رود. پیام‌هایی که توسط متن منتقل می‌شود، می‌تواند دارای معانی مختلفی باشد؛ لذا به‌واسطه تحلیل محتوا باید معنای اصلی آن پیام را بازشناخت. روش بازشناسی و تحلیل این پیام‌ها به‌صورت نظام‌مند بوده و از قوانین و دستورات مشخصی تبعیت می‌کنند، لذا آشنا شدن با روش تحلیل محتوا نیز ضروری است (هولستی، ۱۳۷۳، ص ۸۶).

«تحلیل محتوا روشی بسیار تجربی است که به نوع گفتاری که بررسی می‌گردد و نوع تفسیری که مورد نظر است، بستگی دارد. از تحلیل محتوا به‌جز چند الگوی پایه‌ای که آن‌ها بعضی اوقات به‌سختی قابل جابه‌جا کردن است، چیزی وجود ندارد و باید متناسب با هر زمینه و هدفی که تحقیق در آن صورت می‌گیرد، هر دفعه یا تقریباً تمام دفعات ابداع شود. به عبارتی دیگر، تحلیل محتوا مجموعه‌ای از فنون تحلیل ارتباطات است و یک وسیله نیست بلکه گستره‌ای از ابزارهاست که در حوزه‌های وسیعی قابل انطباق است» (باردن، ۱۳۷۵، ص ۳۰).

زمینه‌های اصلی کاربرد این روش عبارت‌اند از: شناخت موضوع و جوانب آن، شناسایی نظریه‌ها، شناسایی مطالعات و تحقیقات پیشین در این زمینه، جمع‌آوری اطلاعات و انتخاب و تدوین الگوی تحلیلی (عزتی، ۱۳۷۶، صص ۲۱۲-۲۱۳).

تحلیل محتوا باید پیش‌بینی‌کننده چیزی باشد که اساساً قابل مشاهده است و به تصمیم‌گیری و مفهوم‌سازی آن بخش از واقعیت که به تحلیل گذاشته شده است، کمک کند لذا هر تحلیل محتوایی باید در رابطه با محتوای خاص خودش انجام شود و برحسب آن توجیه شود. همچنین، تمام نظریه‌های مربوط به معنا، از جمله نظریه‌های نمادین در رابطه با تحلیل محتوا هستند (کرپندورف، ۱۳۷۸، ص ۲۸).

به عبارتی دیگر، تحلیل محتوا روشی است که به‌منظور «دستیابی به ویژگی‌های مختلف پیام، دیدگاه‌ها و اندیشه‌های صادرکننده پیام، علل صدور و آثار پیام، برای تجزیه و تحلیل عینی و منتظم پیام‌های مختلفی که از طریق گوناگون مبادله می‌شود، به کار می‌رود. تحلیل محتوای متن تاریخیچه بسیار قدیمی دارد. با استفاده از این روش

برای اولین بار کتب و متون مذهبی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دادند. در سال ۱۹۵۵م مجموعه اشعار شاعری ناشناس تحت عنوان سرودهای صهیون بررسی می‌گردد؛ زیرا از پالایش دولتی مصون بوده و منجر به تضعیف روحانیت ارتدوکس کلیسای دولتی می‌شود. اهمیت این تحلیل بر سر خطرناک بودن یا نبودن مضمون این اشعار است. از این جهت تحلیلی از مضامین مختلف مذهبی، ارزش و کیفیت پیدایش مطلوب یا نامطلوب بودن و همین‌طور پیچیدگی سبک آن‌ها انجام شد» (فیروزان، ۱۳۶۰، ص ۵).

به تدریج تحلیل محتوا به صورت یک روش تحقیقی درآمد و با آغاز قرن ۲۰م. پژوهشگران زیادی به این روش روی آوردند؛ از جمله مطالعات گسترده‌ای در مورد رسانه‌های گروهی در جنگ جهانی دوم انجام گرفت. شایعات، رسوایی‌های مالی، نوع فرهنگ و سیاست داخلی یک کشور و مسائل دیگری که در رسانه‌های جمعی بازتاب دارد، زمینه تحقیق دانشمندان و پژوهشگران علوم ارتباطات را از آغاز قرن ۲۰ به بعد به خود اختصاص داده است (همان، ص ۸).

گوناگونی کاربرد تحلیل محتوا خواه از لحاظ نوع رسانه، مانند روزنامه، کتاب، خطبه، سرود، فیلم و غیره و خواه از لحاظ موضوع پژوهش، همچون نظرها، ارزش‌ها، سبک‌ها، تشخیص‌ها و غیره و خواه از لحاظ زمینه‌های علمی، چون جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، روان‌شناسی، روان‌پزشکی، سیاست، ادبیات و غیره بسیار است؛ اما بهترین روش برای نشان دادن مناسب‌ترین کاربرد تحلیل محتوا، مقایسه این روش با دیگر روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی است (چوبینه، ۱۳۸۰، ص ۵۴).

لاسول، عمده‌ترین کاربرد تحلیل محتوا را، مطالعه ارتباطات به منظور پاسخ دادن به این سؤال قدیمی تحقیق در ارتباطات می‌داند که «چه کسی؟ چه چیزی را؟ به چه کسی؟ چرا؟ چگونه؟ و با چه تأثیری؟ می‌گوید» (باردن، ۱۳۷۵، ص ۳۱).

۲-۱. چگونگی اجرای روش پژوهش

پس از مطالعه انواع فنون روش تحلیل محتوا که در منابع مختلف پیرامون آن بحث شده است، در نهایت فن تحلیل محتوای مضمونی براساس واحد جملات و به صورت کمی

و بر مبنای کلمات کلیدی و کلیدواژگان اصلی و فرعی به‌عنوان روش تحقیق برای این مقاله انتخاب شد. به عبارت دیگر، ابتدا با نگاه به کلید واژگان کلیدی هر نامه، مفاهیم اولیه تشکیل‌دهنده مضامین و نقاط متمرکز استخراج می‌شوند که هم بیانگر کلیت فضای حاکم بر مکتوبات، و هم راهنمای چگونگی انتخاب گزاره‌هاست.

در مرحله دوم، با درج نامه‌ها در جداول تحلیل محتوا به استخراج جهت‌گیری‌ها و نقاط متمرکز هر کدام از جملات تقطیع شده پرداخته‌ایم که از رهاورد آن بالغ بر ۶۰۰ مضمون استخراج شده است. فرایند تبدیل جملات به گزاره‌ها و مضامین و استخراج جهت‌گیری‌ها و نقاط متمرکز هر متن و چگونگی یافتن مقولات و نتایج حاصل که همان روش تحلیل محتوای این مقاله، به شرح ذیل است:

۱. شمارش کلمات هر کدام از نامه‌های طرفین و درج در جداول مخصوص؛
۲. یافتن کلمات اصلی هر نامه و فراوانی آن‌ها براساس کلیدواژگان مشخص. لازم به ذکر است که در ابتدا همه نامه‌ها مطالعه شده و سپس بر آن اساس کلید واژگانی برای یافتن کلمات کلیدی نامه‌ها انتخاب شده است.
۳. تجزیه کامل عناصر تشکیل‌دهنده جمله و تقطیع جملات در جداول به همراه ترجمه. منظور از جمله، عبارتی خبری است که دارای معنی کامل و تمام است و به‌صورت مستقل مفهومی واحد را بیان می‌کند.
۴. یافتن ارتباط میان عناصر جزئی جمله جهت یافتن موضوع اصلی و جهت‌گیری آن. منظور از عناصر جزئی همان موضوعات فرعی مطرح‌شده در نامه می‌باشند که هرچند به‌صورت مستقل به‌صورت جمله محسوب نمی‌شوند ولیکن تشکیل‌دهنده مفهوم جمله هستند.
۵. تبدیل عناصر مرتبط در یک جمله به گزاره‌ها و مضامین جهت یافتن موضوعات فرعی و نقاط متمرکز متن.
۶. طرح سؤالات و نکات قابل توجه متن در یادداشت نظری تحقیق؛ منظور تحلیل‌های توصیفی است که هرچند در قالب جداول تحلیل محتوا نمی‌گنجد ولیکن در هنگام نتیجه‌گیری استفاده می‌شوند.

۷. بررسی مجدد کلیه جملات و مضامین آنها به منظور یافتن جهت‌گیری و عنوان کلی نامه.

۸. مقوله‌بندی مضامین و موضوعات فرعی مشترک در نامه‌ها.

۹. تحلیل توصیفی نامه‌ها براساس نتایج حاصل از تحلیل‌های کمی در قالب جداول و نمودار.

۱۰. مدل‌سازی و ارائه نظریه براساس نتایج تحقیق.

در حقیقت، این امور دهگانه، روش تحقیق و عملکرد محققان در این مقاله را نشان می‌دهد که در ابتدای کار و پس از مطالعه روش تحقیق به‌اجمال مشخص شده و در طول تحقیق نیز به تفصیل تبیین شده است.

همچنین، منظور از محتوا نیز متون سازمان‌یافته و اندوخته‌شده مربوط به یک موضوع واحد است که گروهی از حقایق، مفاهیم، تعمیم‌ها، اصول و نظریه‌های مشابه را شامل می‌شود (چوبینه، ۱۳۸۰، ص ۶۷).

در این تحقیق، محتوا به معنای متون نوشتاری و مکتوباتی است که میان حضرت امیرالمؤمنین(ع) و معاویه از ابتدای بیعت عمومی مردم با حضرت و آغاز حکومت ایشان در سال ۳۶ هـ.ق تا پایان جنگ صفین و درخواست حضرت(ع) برای آزادی اسرای جنگی، نوشته و مبادله شده است و اکنون نیز در منابع تاریخی موجود است.

۲-۲. جداول تحلیل محتوا

همان‌طور که می‌دانیم، روش بازشناسی و تحلیل محتوای متون، به‌صورت نظام‌مند است و از قوانین و دستورات مشخصی تبعیت می‌کند؛ لذا آشنا شدن با این فنون در روش تحلیل محتوا بسیار ضروری است (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۸۳، ص ۳۹). در این قسمت عناوین درج‌شده در جداول تحلیل محتوا برای تبیین بیشتر روش تحقیق با توضیحاتی عینی تعریف می‌شود.

۲-۲-۱. محتوا

منظور از محتوا در این جداول، متون سازمان‌یافته و اندوخته‌شده مربوط به یک موضوع واحد است که گروهی از حقایق، مفاهیم، تعمیم‌ها، اصول و نظریه‌های مشابه را شامل

می‌شود (دانایی فرد، ۱۳۸۳، ص ۴۳). در این تحقیق محتوا به معنای متون نوشتاری و مکتوباتی است که میان حضرت امیر(ع) و معاویه از ابتدای بیعت عمومی مردم با حضرت(ع) و آغاز حکومت ایشان در سال ۳۶ هـ.ق تا پایان جنگ صفین و درخواست حضرت برای آزادی اسرای جنگی، نوشته و مبادله شده است و اکنون نیز در منابع تاریخی موجود است.

۲-۲-۲. جهت‌گیری محتوا

تعیین «جهت‌گیری»^۳ محتوا و استخراج موضوعات اصلی عبارت است از عمل طبقه‌بندی عناصر سازنده یک مجموعه از طریق تشخیص تفاوت‌های آن‌ها و سپس گروه‌بندی دوباره براساس معیارهای تعیین‌شده قبلی برحسب نوع و شباهت عناصر. از طرفی برای اینکه این موضوعات تعیین‌شده معتبر و قابل استناد باشد، لازم است از قواعد و اصولی تبعیت کنند و بر مبنای آن‌ها استخراج و تنظیم شوند. لزوم رعایت این قواعد موجب می‌شود تا حد امکان مراحل بعدی و نتایج حاصل از تحقیق از روایی و پایایی بالایی برخوردار باشد. بر طبق این قواعد موضوعات اصلی باید دارای ویژگی‌های زیر باشند:

متناسب با محتوای ارائه‌شده است و روح کلی آن محتوا و یا گروه محتوایی را بیان کند.

جامع باشند؛ یعنی در انتخاب موضوع باید تمام متن مورد استفاده قرار گیرد و نه تنها بخش خاصی از آن.

موضوعات انتخابی باید منطبق با هدف و نوع محتوا باشند.

موضوعات انتخابی باید عناوین کلی باشند و تا حد امکان به‌اختصار و عام بیان شوند (باردن، ۱۳۷۵، ص ۳۵).

۲-۲-۳. نقاط تمرکز محتوا

«نقاط تمرکز» متن^۴ یا مضامین در حقیقت موضوعاتی هستند که محقق به کمک آن‌ها تصورات اجتماعی یا قضاوت‌های گویندگان را بر مبنای تحلیل پاره‌ای از عناصر تشکیل‌دهنده متن آشکار می‌کند. در واقع، فرض ما بر این است که همبستگی‌های

مضامین، اطلاعاتی درباره ساختارهای ذهنی و ایدئولوژیکی یا افکار و ایده‌ها و دیدگاه‌های پنهان گوینده را در اختیار محقق قرار می‌دهد (زکی، ۱۳۸۵، ص ۷۱).
چینش نقاط تمرکز استخراج شده از متن، سعی می‌کند تا نظم نهفته در محتوا را آشکار کند و یا به کمک مدلی انتزاعی که محقق آن را ساخته است، به گفتار، ساخت داده و آن را قابل فهم کند (کیوی و کامپنهود، ۱۳۸۱، ص ۲۲۲-۲۲۷).

در استخراج و تعیین موضوعات فرعی باید نکات زیر را مدنظر داشت:
دقیق و با رعایت کلیه نکات بیان شده در متن باشند؛ بدین معنا که در انتخاب موضوعات فرعی باید به گونه‌ای عمل شود که در صورت نبود متن، هر خواننده‌ای بتواند از ترکیب آن موضوعات، به محتوای متن اصلی دسترسی پیدا کرده و حتی بتواند آن متن را بازسازی نماید.

همگن و یک‌پارچه باشند؛ بدین معنا که همدیگر را از لحاظ معنایی تکمیل کنند و از لحاظ ساختاری نیز جمله خبری یا انشایی باشند.

انحصاری باشند، لذا یک عنصر محتوا نمی‌تواند در دو مقوله به اتفاق به کار رود.
عینی باشند، یعنی تحلیل‌گران مختلف باید همگی به یک برداشت و نتیجه واحد برسند. رعایت این نکته موجب می‌شود که فن تحلیل محتوا از برداشت‌های شخصی و فردی فاصله گرفته و هرچه بیشتر براساس ملاک‌ها و ضوابط علمی مسیر خود را طی کند (زکی، ۱۳۸۵، ص ۷۱).

۲-۲-۴. کدگذاری محتوا

«کدگذاری»^۵ در تحلیل محتوا براساس تعریف مفهومی و تعریف عملیاتی متغیرها صورت می‌گیرد. برای مثال، در فن تحلیل محتوای به کار گرفته شده در تحقیق حاضر به این دلیل که در استخراج نتایج و مدل‌های نهایی لازم است منابع و داده‌های استفاده شده برای ساخت آن مدل بیان شود، لذا این کدگذاری برای موضوعات فرعی انجام شده و در حقیقت، بیانگر مسیر طی شده برای رسیدن به نتیجه و منبع آن هستند (هولستی، ۱۳۷۳، ص ۴۸).

در کدگذاری جداول تحلیل محتوای این مقاله به‌گونه‌ای عمل شده است که در هر مرحله از مسیر تحلیل محتوا، با نگاهی اجمالی به کدهای شناسه هر موضوع، می‌توان به سند و منبع آن دست یافت. حرف A در این کدگذاری بیانگر مکتوبات حضرت علی(ع) و حرف M بیانگر مکتوبات معاویه است. دو عدد وسط نیز شماره نامه و عدد سمت راست هر کد نیز شماره موضوع فرعی استخراج‌شده از محتوای کلام است.

۳. تحلیل محتوای کمی مکاتبات

همان‌طور که گفته شد، به‌منظور دستیابی به شخصیت واقعی معاویه از دید حضرت علی(ع)، لازم است ابتدا با بررسی فراوانی کلمات و پرداختن به کلید واژگان اصلی و فرعی نامه‌ها، به تحلیل محتوای کلمات و نتایج حاصل از آن‌ها و سپس، به تحلیل محتوای جملات و موضوعات اصلی و فرعی استخراج‌شده از آن‌ها پرداخت.

به همین منظور پیش از ورود به مباحث آماری، جداول و نمودارهای حاصل از آن، ذکر این نکته ضروری است که می‌دانیم کمیّت، کاشف از اهمیت نیست، اما می‌تواند رویکردهای مهم یک موضوع را تبیین نماید؛ برای مثال، آنچه در کلام حضرت علی(ع) خطاب به معاویه بسیار مشاهده می‌شود، توصیه حضرت مبنی بر ترک دنیا و دنیاگرایی و طمع نسبت به مطامع دنیوی است. این مطلب می‌تواند ما را به این نتیجه رهنمون سازد که حضرت علی(ع)، یکی از مشکلات اساسی معاویه را دنیاپرستی او می‌داند که حضرت نیز در بخشی از کلام خود بدان به‌صراحت اشاره می‌کنند.

اکنون جای این سؤال است که اگر به دلایل مختلفی آن متن و نامه‌ای که حضرت به‌صراحت مشکل بزرگ معاویه را دنیاپرستی وی می‌داند، در دسترس نبود، از چه طرق دیگری این امکان وجود داشت که به تحلیل درستی از شخصیت معاویه از دیدگاه امیرالمؤمنین(ع) دست یافت؟

بدون شک باید گفت تأکید بر یک مطلب و تکرار آن به دفعات می‌تواند خود بیانگر این باشد که این موضوع برای گوینده کلام بسیار مهم است و گوینده سعی دارد به انحاء مختلف اهمیت این موضوع را بیان کند.

در این رابطه باید گفت که با پیش فرض قرار دادن اینکه حضرت علی(ع) از جمله فصحا و ادبای عصر خود بوده و کلمات ایشان بهترین مدعا بر این مطلب است، لذا از اطاله کلام و زیاده‌گویی پرهیز کرده و با کلماتی مختصر و کوتاه و درعین حال، بلیغ، دریایی از معانی را برای مخاطب خود گشوده‌اند؛ چنان‌که خود حضرت(ع) نیز در یکی از نامه‌های خود به معاویه اشاره می‌کنند: «فَإِنَّ فِي الْقَوْلِ سَعَةً وَلَنْ يُعْذَرَ مِثْلَكَ فِيمَا طَمَحَ إِلَيْهِ الرَّجَالُ» (ابن قتیبه، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۰۱)؛ در سخن من چنان آزاداندیشی است که مردانی همانند تو توانایی رسیدن به آن را ندارند و تو توانایی مجادله کلامی با فصیحی همچون من را نداری.

بنابراین، باید گفت که آنچه در این مقاله و در قالب جداول و نمودارهای کمی بیان شده است، می‌تواند بیانگر میزان اهمیت آن موضوع برای گوینده کلام باشد که به تناسب شرایط و مخاطب بیان شده است. از این رو، نتیجه‌گیری براساس بالاترین فراوانی، امری بسیار ساده و درعین حال، دقیق خواهد بود.

۳-۱. مقایسه فراوانی کلمات

از جمله نکات بسیار قابل توجه و مهمی که از خلال تحلیل محتوای کمی مکاتبات میان حضرت علی(ع) و معاویه حاصل شد، کثرت فراوانی کلمات حضرت(ع) در مکاتباتشان با معاویه است که این رقم حدود ۳ برابر بیشتر از کلمات معاویه است. این مطلب نشان می‌دهد که حضرت(ع) بر این جریان نامه‌نگاری و هدایت معاویه تأکید بیشتری داشته و وقت بیشتری را نیز صرف این امر مهم کرده‌اند.

فراوانی کلمات امیرالمؤمنین(ع) در حدود ۷۶٪ و فراوانی کلمات معاویه در حدود ۲۴٪ است. این مطلب نشان می‌دهد چه میزان حضرت(ع) به امر نامه‌نگاری اهتمام داشتند و علی‌رغم مشکلات و مسائل فراوان در دوران کوتاه حکومت خود، نه تنها برای معاویه بلکه برای بسیاری از حاکمان منصوب از طرف عثمان و همچنین والیانی که خود برای شهرها تعیین می‌کردند، نامه‌های مفصلی نوشته‌اند که همه، بیانگر نوع نگاه آینده‌نگرانه حضرت(ع) است.

نکته قابل ذکر اینکه به‌منظور تعیین کلید واژگان اصلی برای شمارش و درج در جداول مربوط، در مرحله اول با تعیین مجموعه‌ای از کلیدواژگان فرعی به‌کاررفته در متن نامه‌ها، یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین آن‌ها به‌عنوان کلیدواژه اصلی انتخاب و مورد شمارش قرار گرفته که ملاک در شمارش این کلمات، ذکر صریح آن‌ها در متن و به عبارت دیگر، «نص» بوده است.

همچنین، ممکن است در نگاه اول برای خواننده این اشتباه پیش آید که چه ارتباطی بین برخی از کلمات کلیدواژگان فرعی و اصلی وجود دارد؛ برای مثال، در جدول زیر کلماتی همچون امامت و حکومت در زیر واژه بیعت درج شده‌اند، هرچند که در حوزه مباحث کلامی و اعتقادی ارتباطی با همدیگر ندارند، درحالی‌که در متن و بافت نامه‌ها، این کلمات کاملاً در ارتباط با همدیگر هستند؛ برای نمونه، در جدول شماره (۱) کلیدواژگان انتخابی بیان شده است.

جدول ۱. فراوانی کلیدواژگان

ردیف	کلیدواژگان اصلی	کلیدواژگان فرعی	ردیف	کلیدواژگان اصلی	کلیدواژگان فرعی
۱.	بیعت	خلافت، امامت، حکومت	۲.	بنی هاشم	بنی هاشم، اهل بیت، خاندان پیامبر
۳.	خلفا	ابابکر، عمر، عثمان، خلیفه، خلفا	۴.	قتل عثمان	قتل عثمان، قاتلان عثمان، قاتلان عثمان
۵.	جامعه اسلامی	شوری، مهاجران و انصار، راه مؤمنان، اهل حجاز و شام، مردم، قریش	۶.	قرآن	قرآن، آیات قرآن، کتاب خدا
۷.	مخالفین حکومت	خروج از بیعت، طلحه، زبیر، عایشه، پیمان شکنان، جنگ، جنگ، جمل	۸.	بنی امیه	بنی امیه، طلقا، خاندان معاویه، پدر و مادر معاویه
۹.	پیامبر اسلام	نام پیامبر(ص)، سنت پیامبر، مبین احکام دین	۱۰.	نام معاویه	نام و لقب‌های معاویه
۱۱.	مباحث اخلاقی	دنیا و آخرت، تقوا، زهد، پرهیز از دنیاطلبی، حسد، شیطان	۱۲.	مباحث اعتقادی	دین، اسلام، ایمان و کفر، حق و باطل، رضایت الهی

۴. تحلیل محتوای کیفی و استخراج مقوله‌ها

در این قسمت با ذکر مضامین و یا به عبارتی، همان موضوعات فرعی که حضرت علی(ع) و معاویه در خلال نامه‌های خود در رابطه با موضوعات واحد مطرح کرده‌اند، سعی می‌گردد به یک مقوله‌بندی از آن‌ها دست یافت که این مقوله‌بندی می‌تواند کمک بسیار بزرگی برای ساخت مدل‌های نهایی در رابطه با هر کدام از موضوعات مطرح شده باشد. لازم به ذکر است که این مقولات با رویکرد مدل‌سازی استخراج شده و باید دارای ویژگی‌ها و معیارهای خاصی باشند.

همچنین، لازم به ذکر است که در این قسمت، تنها به ذکر مقوله نصایح حضرت علی(ع) به معاویه پرداخته شده است؛ زیرا این مبحث در ادامه به جهت تبیین ماهیت کلی این مکاتبات، نقش و کارکرد ویژه‌ای برای دست یافتن به نتایج اصلی این تحقیق دارد.

در واقع، علت پرداختن به مقوله نصایح این است که اولاً این مقوله بیشترین فراوانی را در کلام حضرت امیر(ع) داشته که خود این امر نشان‌دهنده تأکید زیاد حضرت(ع) بر این موضوع است و ثانیاً، به این دلیل که در جداول تحلیل محتوا به کلی همه نصایح تحت یک عنوان واحد درج شده‌اند و به ابعاد مختلف آن پرداخته نشده است و ثالثاً، اینکه حضرت(ع) بهترین راه کار و پاسخ در برابر یاوه‌گویی‌ها و سرکشی‌های معاویه را نصیحت به وی دانسته‌اند، لذا شایسته است در این بخش بیشتر به آن پرداخته شود و ابعاد پنهان و مختلف آن شناسایی گردد.

جدول شماره ۲ مقوله‌بندی نصایح حضرت(ع) به معاویه را که از خلال جداول تحلیل محتوای اولیه مکاتبات استخراج شده است، بیان می‌کند:

جدول شماره ۲. نصایح مطرح شده در کلام حضرت علی (ع)

ردیف	نقاط تمرکز	کد شناسه	مقوله‌ها
۱.	توصیه به معاویه برای عبادت خداوند	A-04-6 ؛ A-17-۱	نصایح اخلاقی
۲.	پرهیز دادن معاویه از سخنان بیهوده و هزل	A-04-2 ؛ A-04-7 ؛ A-04-8 ؛ A-04-9 ؛ A-10-31 ؛ A-10-33 ؛ A-10-34 ؛ A-10-35	
۳.	توصیه به معاویه برای مطالعه زندگی پیشینیان و سرگذشت آنان	A-08-2 ؛ A-08-31	
۴.	توصیه به معاویه برای پرهیز از دنیاگرایی	A-08-1 ؛ A-08-3 ؛ A-08-4 ؛ A-08-5 ؛ A-08-6 ؛ A-08-13 ؛ A-08-14 ؛ A-08-15 ؛ A-08-16 ؛ A-08-17 ؛ A-08-18 ؛ A-08-23 ؛ A-09-1 ؛ A-09-2 ؛ A-09-3 ؛ A-09-4 ؛ A-09-13 ؛ A-09-16 ؛ A-09-31 ؛ A-09-32 ؛ A-17-6 ؛ A-17-7 ؛ A-17-15 ؛ A-17-16 ؛ A-18-3 ؛ A-18-14 ؛ A-18-17	
۵.	توصیه به معاویه برای ترک پیروی از هوا و هوس و شیطان	A-08-19 ؛ A-08-22 ؛ A-08-32 ؛ A-09-12 ؛ A-15-7 ؛ A-17-14 ؛ A-18-13 ؛ A-18-15	
۶.	توصیه به معاویه برای تقوا و خداترسی	A-08-21 ؛ A-08-20 ؛ A-09-9 ؛ A-09-10 ؛ A-09-11 ؛ A-09-14	

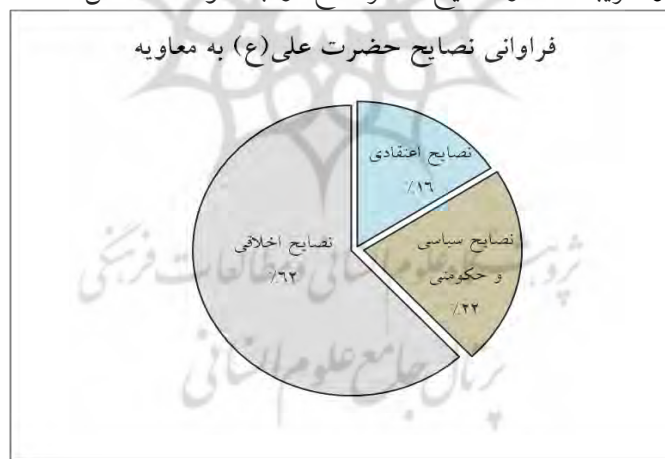
ردیف	نقاط تمرکز	کد شناسه	مقوله‌ها
		A-10-26 ؛ A-09-30 ؛ A-09-29	
۷.	توصیه به معاویه برای ترس از معاد و مرگ	A-18-16	
۸.	مشکل اصلی معاویه عدم ایمان واقعی و باطل‌گرایی اوست	A-17-4 ؛ A-17-5 ؛ A-08-69	
۹.	حضرت معتقد است معاویه حق را می‌داند، لکن آن را کتمان می‌کند	A-10-28 ؛ A-10-30	
۱۰.	توصیه به معاویه برای عدم اختلاط حق و باطل برای فریب مردم	A-10-32 ؛ A-10-27	
۱۱.	توصیه به معاویه برای ایمان به خداوند و پیامبر و کتاب آسمانی و ولایت اهل بیت(ع) از فرزندان ابراهیم(ع)	A-13-192 ؛ A-13-194 ؛ A-13-193 ؛ A-13-204 ؛ A-13-199 ؛ A-10-205 ؛ A-13-214 ؛ A-13-205 38	
۱۲.	توصیه به معاویه برای پرهیز از ستم و باطل‌گرایی	A-17-3 ؛ A-17-2	
۱۳.	نقض پیمان معاویه، موجب حبط اعمال وی است	A-13-200	
۱۴.	توصیه به معاویه برای همراهی با مسلمانان و حفظ اتحاد ملت	A-13-195 ؛ A-10-42 ؛ A-08-25 ؛ A-13-196 ؛	نصایح اعتقادی نصایح سیاسی و حکومتی

ردیف	نقاط تمرکز	کد شناسه	مقوله‌ها
۱۵	تهدید معاویه به جنگ در صورت دشمنی با حضرت(ع) و عدم بیعت	A-05-25 ؛ A-05-26 ؛ A-08-24 ؛ A-10-37 ؛ A-10-41	
۱۶	پرهیز دادن معاویه از توجه به امکانات و سپاهیان، خدعه، نیرنگ و فریب افکار عمومی	A-04-1 ؛ A-05-31	
۱۷	نصیحت به معاویه که جایگاه خودش را در مورد خلافت مسلمانان بداند	A-08-7 ؛ A-10-19	
۱۸	معاویه شایسته خلافت نیست	A-08-8 ؛ A-08-9 ؛ A-08-10 ؛ A-10-22	
۱۹	عقل به برتری خاندان بنی‌هاشم بر خاندان بنی‌امیه حکم می‌کند	A-10-10 ؛ A-10-21	
۲۰	توجه به کتاب خدا و سنت پیامبر(ص) شایستگی حضرت(ع) را اثبات می‌کند	A-10-40	
۲۱	توصیه به معاویه برای پرهیز از جنگ طلبی	A-10-39	
۲۲	جنگ با مخالفان مؤمنان یک دستور الهی است	A-05-27 ؛ A-10-45 ؛ A-18-21	
۲۳	توصیه به معاویه برای ترک خون‌خواهی عثمان	A-15-8 ؛ A-17-8	
۲۴	توصیه به معاویه برای آزادی اسرا	A-18-20	

ردیف	نقاط تمرکز	کد شناسه	مقوله‌ها
۲۵	علت دشمنی معاویه، حسادت او به اهل بیت(ع) است	A-13-198 ؛ A-13-197	توصیه به ترک حسادت و دشمنی با اهل بیت پیامبر
۲۶	معاویه به دلیل حسادت به اهل بیت(ع)، به دنبال برتری بخشیدن به کسانی (خلفا) است که هیچ‌گونه برتری ندارند	A-13-203	
۲۷	توصیه به معاویه برای ترک دشمنی و پذیرفتن حق حاکمیت اهل بیت	A-13-206 ؛ A-13-213	
۲۸	اطاعت از انبیاء الهی و فرزندان ایشان (اهل بیت) بر همگان واجب است	A-13-208 ؛ A-13-207	
۲۹	اسلام آوردن و کفر معاویه هر دو به دلیل منافع شخصی بوده است	A-13-202 ؛ A-13-201	
۳۰	پذیرش بیعت با حضرت(ع) موجب رستگاری و سعادت است	A-10-44 ؛ A-05-24 ؛ A-10-43 ؛ A-10-46	
۳۱	نصیحت به معاویه تنها به دلیل رسالت شرعی حضرت(ع) است	A-09-6	
۳۲	نصایح حضرت(ع) به معاویه یک امانت الهی است که باید ادا شود	A-09-7	
۳۳	آگاهی حضرت(ع) به عدم پذیرش نصایح توسط معاویه	A-09-8	
۳۴	حضرت(ع) علت تأخیر در جنگ	A-08-68	

ردیف	نقاط تمرکز	کد شناسه	مقوله‌ها
	را امید به ایمان آوردن و اصلاح معاویه می‌داند		
۳۵	خواسته حضرت(ع) برای معاویه سلامت و عافیت است	A-05-23	
۳۶	پیش‌بینی حضرت(ع) از آینده نگون‌بخت معاویه	A-08-33 ؛ A-09-5 ؛ A-09-15	

همان‌طور که مشاهده می‌شود، حضرت امیر(ع) نصایح متعددی به معاویه داشته‌اند، لیکن با نگاهی اجمالی به جدول استنادات این نصایح و همچنین، نمودار شماره (۲) این مطلب مشخص می‌شود که آنچه برای حضرت بسیار مهم بوده است، مسئله نصایح اخلاقی بوده و تقریباً ۶۲٪ از نصایح حضرت(ع) را به خود اختصاص داده است.



نمودار شماره ۱. نصایح مطرح‌شده در کلام حضرت علی(ع)

دقت در این مسئله محقق را بر آن داشت تا بیشتر در رابطه با شخصیت معاویه در کلام حضرت امیر(ع) مطالعه کرده و براساس آنچه حضرت از معاویه بیان داشته‌اند، به

نوعی کالبدشکافی شخصیت معاویه بپردازد که نتیجه آن، نتایج شخصیت‌شناسی معاویه است که به همین مناسبت بدان پرداخته می‌شود.

حضرت علی(ع) در خلال مباحث و مکتوبات خود با معاویه، به دو بخش مهم توجه ویژه داشته و این دو بخش را با تمامی جزئیات و توضیحات در کلام خود بیان کرده‌اند که شاید بتوان گفت آنچه برای قضاوت آیندگان در رابطه با یک حادثه تاریخی، مهم و عبرت‌آموز است، همین دو بخش است که حضرت(ع) در کلام خود بیان کرده‌اند:

س ریشه‌ها و علل شکل‌گیری حادثه؛

س شخصیت فرماندهان و رهبران حادثه.

به همین منظور در این قسمت از مباحث به دنبال این هستیم که با تحلیلی کیفی از آنچه تاکنون به صورت کمی انجام شده است، به این سؤالات پاسخ داده شود که حضرت ریشه‌ها و علل اصلی وقوع این اختلاف و حادثه را در چه عواملی می‌دانسته و شخصیت معاویه را به عنوان قطب فکری مخالفان حکومت چگونه توصیف و تحلیل کرده‌اند؟

براساس آنچه به نظر می‌رسد حضرت امیر(ع)، ریشه‌های اصلی شکل‌گیری جنگ صفین را که در حقیقت ناشی از مخالفت معاویه با حضرت علی(ع) است، سه عامل اساسی می‌دانند که به ترتیب عبارت‌اند از:

اعتقادات نادرست و عدم ایمان واقعی معاویه به خداوند، پیامبر(ص) و اهل بیت(ع)؛

حکومت‌خواهی؛

و طمع و دنیاپرستی معاویه؛

که موجب شده با اهل بیت پیامبر(ص) و مقام ایشان به حسادت برخیزد و تمام تلاش خود را برای ابقای در حکومت شام و در دست داشتن اموال بیت‌المال مسلمین داشته باشد.

۵. شخصیت معاویه در کلام حضرت علی(ع)

طی حکومت چندساله حضرت علی(ع) تمامی دشمنان اسلام نقاب از چهره کریه خویش افکندند و با تمام توان رویاروی آئینه حق و حقیقت و وصی به حق رسول الله(ص) ایستادند. ناکثین با به وجود آوردن جنگ جمل، قاسطین با نبرد صفین و مارقین در جنگ نهروان همه کینه‌ها، حسدها، دنیاطلبی‌ها و کج‌فهمی‌ها را آشکار نمودند.

واقعه صفین با فاصله کوتاهی از جنگ جمل در سال ۳۷ق. اتفاق افتاد و گروه‌های زیادی در آن شرکت داشتند؛ از جمله اشرافی که در زمان خلیفه سوم اموال زیادی به‌ناحق تصاحب نموده بودند، از ترس اینکه حضرت(ع) آن‌ها را به بیت‌المال برگرداند، با معاویه همدست شدند.

عده دیگر کسانی که ایمان قلبی به وحی نداشتند و منتظر فرصت بودند تا ضربه خود را بر پیکر اسلام فرود آورند، مانند معاویه که از طلقاء (آزادشدگان) بود. دسته دیگر بزرگان بعضی از اقوام و قبایل بودند که قدرت و ریاست آن‌ها با اجرای سنت پیامبر توسط حضرت امیر(ع) رنگ می‌باخت. کسانی هم که در غزوات و سریه‌ها خویشان خود را به شمشیر حضرت علی(ع) از دست داده بودند، به انگیزه جاهلی انتقام‌جویی در این نبرد شرکت جستند.

واقعیت این است که به منظور شناسایی انگیزه‌های واقعی هر جنگی، ابتدا لازم است که به شناسایی شخصیت فرماندهان و بررسی دقیق و عمیق رفتار و گفتار هر کدام از دو طرف پرداخته و به‌واسطه روش تحلیل محتوای کلام، به انگیزه‌های واقعی آنان دست پیدا کرد.

شواهد تاریخی از جمله گفتارها و مراسلاتی که پیش از آغاز جنگ و حتی بعد از آن بین دو طرف رد و بدل می‌شد، به‌خوبی پرده از نیرنگ و دورویی سردمداران لشکر شام برمی‌دارد و روشن می‌سازد که معاویه و خواص دربارش با آگاهی و علم به حقانیت حضرت علی(ع) نه‌تنها چاره خویش، یعنی ادعای خون‌خواهی عثمان برای فریب مردم و فراهم آوردن لشکر تمسک جستند و خود نیز در مواردی به این امر اعتراف نمودند.

مطلب دیگری که بر معاویه و سردارانش بلکه بر مردم نیز پوشیده نبود، رفتار و کردار سنت‌شکنانه خلیفه سوم بود که همین امر منجر به قتل وی شد. نظری گذرا به اموال برجای‌مانده از خلیفه سوم، خویشان، نزدیکان و فرمان‌روایانش، تقسیم ناعادلانه بیت‌المال، بذل و بخشش‌ها و انتصاب‌های غیرعادلانه موجب شده بود دنیاپرستان، تاب و تحمل عدالت علی(ع) را نداشته باشند. بنابراین، بسیاری از لشکریان صفین نه به انگیزه خون‌خواهی عثمان بلکه برای حفظ اموالی که به غارت برده و مقامی که کسب کرده بودند، در مقابل عدالت علی(ع) صف کشیدند.

پس در واقع، باید گفت نبرد لشکر شام در صفین نه به انگیزه خون‌خواهی عثمان بلکه به انگیزه‌های مختلف اتفاق افتاد. چنان‌که اشاره کردیم، برخی با تبلیغات معاویه به انگیزه خون‌خواهی خویشانی که در صدر اسلام به شمشیر حضرت علی(ع) از دست داده بودند، با تعصبی جاهلی به میدان آمده بودند. برخی دیگر ترس از این داشتند که حضرت(ع) چنان‌که فرموده بود، اموال به‌غارت‌رفته بیت‌المال در زمان عثمان را که اکنون از اموال شخصی آن‌ها محسوب می‌شد، مسترد گرداند. برخی دیگر نیز جاه و مقام خویش را از دست می‌دادند و گروه دیگر کسانی بودند که به تطمیع معاویه با وی همراه شده و جهالت چشمشان را به روی حقیقت بسته بود و فریب سخنان واهی معاویه مبنی بر کشته شدن مظلومانۀ عثمان (در ظاهر) و قیام برای خوان‌خواهی وی را خورده بودند.

از جمله ویژگی‌های رفتاری معاویه این است که وی فردی نیرنگ‌باز و معاند بود و به همین دلیل، توانست از جهالت و نادانی مردم جامعه خود استفاده کند و با عکرم کردن پیراهن عثمان، لشکر انبوهی ضد وصی به‌حق پیامبر اکرم(ص) فراهم آورد. در رابطه با شخصیت معاویه در کلام حضرت علی(ع) نکته بسیار مهم، جدایی مشکلات عقیدتی معاویه از رفتار و اخلاق وی است. حضرت علی(ع) با توجه به این مسئله که ریشه مشکلات رفتاری هر فردی در اخلاق و ریشه مباحث اخلاقی نیز، مسائل اعتقادی است، لذا در کنار نصایح اخلاقی، رفتاری، سیاسی و حکومتی به معاویه، بخشی را نیز به نصایح اعتقادی پرداخته‌اند و در حقیقت ریشه کلیه مشکلات معاویه را، عدم اعتقاد صحیح و ایمان واقعی او به خداوند و پیامبر اسلام(ص) می‌دانند.

امام علی(ع) در مکاتبات خود معاویه را با چند ویژگی توصیف می‌کند که موارد برجسته آن عبارت است از:

۵-۱. فرصت طلبی

از دیدگاه امام علی(ع) اسلام خاندان ابی‌سفیان فرصت طلبانه بود. آنان هیچ‌گاه از صمیم قلب به اسلام نپیوستند بلکه از اقتدار و شکوه اسلام در هراس شده، ابراز مسلمانی کردند. حضرت(ع) در جواب یکی از نامه‌های معاویه چنین نوشتند: «فَإِنَّا كُنَّا نَحْنُ وَأَنْتُمْ، عَلِيٌّ مَا ذَكَرْتَ، مِنَ الْأَلْفَةِ وَالْجَمَاعَةِ، فَفَرَّقَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَمْسَ أَنَا أَمْنَا وَكَفَرْتُمْ، وَالْيَوْمَ أَنَا اسْتَقَمْنَا وَفُتِنْتُمْ. وَمَا أَسْلَمَ مُسْلِمُكُمْ إِلَّا كُرْهًا، وَبَعْدَ أَنْ كَانَ أَنْفُ الْإِسْلَامِ كُلُّهُ لِرَسُولِ اللَّهِ(ص)» (ابن قتیبه، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۰۱؛ موسوی، ۱۳۷۶، ص ۸۴۲؛ سید رضی، بی‌تا، نامه ۶۴؛ ثقفی کوفی، ۱۳۷۳، ص ۱۷۸؛ یزدی، ۱۳۸۳، ص ۹۴؛ طبری، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۶۲)؛ چنان‌که گفتی، ما و شما پیش از اسلام دوست و با هم بودیم، اما آنچه دیروز از هم جدامان کرد، این بود که ما ایمان آوردیم و شما کفر ورزیدید. امروز هم ما استوار ایستاده‌ایم و شما به فتنه گرویده‌اید. هیچ‌یک از مسلمانان قوم شما جز به اکراه اسلام نیاورده‌اند، آن‌هم پس از آنکه بزرگان عرب در برابر رسول‌الله(ص) تسلیم شده و در حزب او درآمدند.

۵-۲. کبر و خودپرستی

این رذیله، ریشه بسیاری از انحرافات از جمله مقابله با حق است، چنان‌که راز سقوط ابلیس از قرب حق، کبر او بود. خداوند او را امر به سجده در برابر آدم کرد: «أَبِي وَأَسْتَكْبَرُ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ» (بقره: ۳۴)؛ اما او امتناع کرد و کبر ورزید و از کافران شد. بیماری خودپرستی و کبر گاه پیامد مبارزه با ذات مقدس ربوبی را دارد، آن‌چنان‌که نمرود و فرعون به این بیماری مبتلا شدند و گاه پیامد مقابله با انبیای الهی را داشته است. نگاهی اجمالی به مخالفان انبیاء انسان را به این باور می‌رساند که از عمده‌ترین عوامل مخالفت با انبیاء، «کبر» بوده است. مشرکان با به رخ کشیدن مال و ثروت خود و هواداران‌شان خود را برتر و انبیاء را حقیر می‌شمردند و منطقشان این بود که: «نَحْنُ أَكْثَرُ

أَمْوَالاً وَأَوْلَاداً وَمَا نَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ» (سباء: ۳۵)، اموال و فرزندان ما بیشتر است (و این نشانه علاقه خداوند به ماست) و ما هرگز مجازات نخواهیم شد.

از دیدگاه امام علی(ع) معاویه مبتلای به این رذیله است، چنان‌که در نامه‌ای به عمروعاص در رابطه با معاویه چنین می‌نویسد: «لَا تُجَارِينَ مُعَاوِيَةَ فِي بَاطِلِهِ فَإِنَّ مُعَاوِيَةَ غَمَّصُ النَّاسِ وَسَفَهُ الْحَقِّ» (خویی، ۱۳۵۸، ج ۱۷، ص ۱۹۰)؛ با معاویه شریک و همدم در باطلش مشو! زیرا که معاویه مردم را تحقیر کرده و حق را خوار شمرده است.

در واقع، کبر معاویه به حدی بود که حتی مورد اعتراض عمر نیز قرار می‌گرفت. در سال یازدهم هجرت که عمر به شام سفر کرد، معاویه با حالت متکبرانه پادشاهی به استقبال او آمد. عمر گفت: «هذا كسرى العرب» (او کسرای عرب است) و هنگامی که با او خلوت کرد، به این رفتارش اعتراض نمود و گفت با این همه، گرفتار و محرومی که بر در خانه‌ات صف کشیده‌اند؛ چرا این چنین در بین مردم حرکت می‌کنی؟

معاویه چنین پاسخ داد: جاسوسان دشمن ما یعنی رومیان در این مکان فراوان‌اند و من با این شوکت و سلطنت می‌خواهم عزت و قدرت مسلمین را به رخ آنان بکشم. عمر گفت: نیرنگ خوبی است که عیب تو را می‌پوشاند (حسینی شیرازی، بی‌تا، ص ۱۲۸).

این حالت متکبرانه در واقع، آغاز خلافت معاویه بود که پس از آن با استحکام پایه خلافت خود دقیقاً نظام پادشاهی را احیاء کرد.

۳-۵. انحراف طلبی

یکی از ابزارها و حربه‌های رهبران و پیشوایان باطل‌گرا و دعوت‌کننده به سمت جهنم و عذاب الهی، استفاده از آیات قرآن و تحریف و تأویل آن به منظور دستیابی به منافع شخصی و گمراهی مردم است. حضرت علی(ع) در چندین مورد به این ویژگی معاویه که به دنبال انحراف و تحریف در دین و تأویل به باطل آیات قرآن است، اشاره می‌کند و در نامه‌ای به معاویه می‌فرماید: «وَقَدْ أَرَدَيْتَ جِيلاً مِنَ النَّاسِ كَثِيراً، خَدَعْتَهُمْ بِغِيْبِكَ، وَالْقِيَّتَهُمْ فِي مَوْجِ بَحْرِكَ، تَغْشَاهُمُ الظُّلُمَاتُ، وَتَتَلَاظِمُ بِهِمُ الشُّبُهَاتُ. فَجَارُوا عَنْ وَجْهِتِهِمْ، وَنَكَّصُوا عَلَى أَعْقَابِهِمْ، وَتَوَلَّوْا عَلَى أَدْبَارِهِمْ، وَعَوَّلُوا عَلَى أَحْسَابِهِمْ» (حسینی خطیب، ۱۳۶۷،

ج ۳، ص ۳۰۴؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۷۵، ج ۱۶، ص ۱۳۴؛ سید رضی، نامه ۳۲؛ موسوی، ۱۳۷۶، ص ۸۳۸؛ بحرانی، ج ۵، ص ۱۱۲؛ بسیاری از مردم را به گمراهی خویش فریب دادی و به تباهی افکندی و به امواج نفاق خود سپردی؛ ظلمت گمراهی آنان را فراگرفت و در تلاطم شبهه‌ها گرفتار آمدند و از راه راست خود دور گشتند و چونان کسی که بر روی پاشنه خود بچرخد، به عقب بازگردیدند و بار دیگر، به نیاکان خویش متکی شدند و بر آنها بالیدند.

معنای این سخن مولا این است که معاویه عامل ارتجاع امت به ارزش‌های جاهلی شده و در حکومت طولانی خود بر شام با فریبکاری، امت اسلام را از اصالت‌ها و ارزش‌های اسلامی جدا کرده است.

۵-۴. استفاده ابزاری از مقدسات

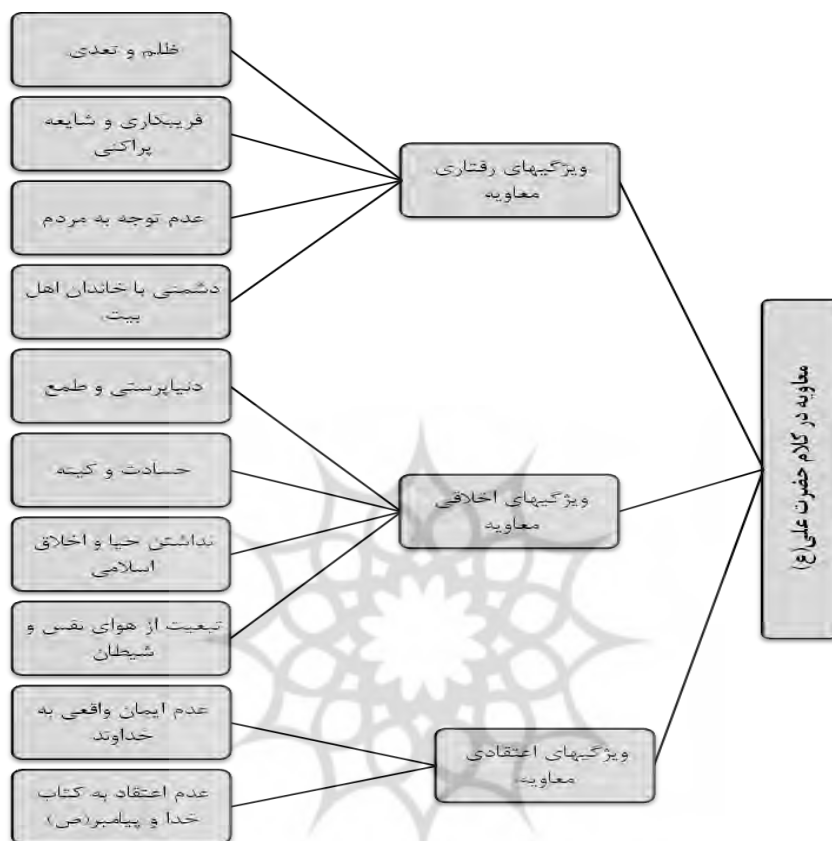
از شیوه‌های رذالت‌آمیز دشمنان در طول تاریخ، استفاده ابزاری از تقدسات بوده است. معاویه که در قرآن‌ستیزی دست طولانی دارد، با به نیزه کردن قرآن آسیب جدی به اردوگاه امام علی(ع) زد. البته زمینه این آسیب، نادانی و حماقت برخی از یاران حضرت(ع) بود و لیکن وقتی شیطنت دشمن با حماقت و بی‌توجهی برخی به‌ظاهر خودی‌ها همراه شد، سرانجامی جز حکمیت و انزوای حق نخواهد داشت.

امام(ع) پس از فتنه تحکیم و قرآن به نیزه کردن شامیان در نامه‌ای به معاویه نوشت: «وَأَرَاكَ قَدْ دَعَوْتَنَا إِلَى حُكْمِ الْقُرْآنِ، وَلَقَدْ عَلِمْتَ أَنَّكَ لَسْتَ مِنْ أَهْلِهِ، وَلَا حُكْمَهُ تُرِيدُ» (ابومخنف، ۱۴۲۳، ص ۴۹۳؛ ابن عبد ربه، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۲۲۵؛ دینوری، ۱۳۷۱، ص ۱۹۱؛ نهج السعاده فی مستدرک نهج البلاغه، ج ۴، ص ۲۶۷؛ ابن کثیر الدمشقی، ۱۴۰۷، ص ۸۵۵؛ کوفی، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۱۹۲؛ مجلسی، ۱۴۱۲، ج ۳۲، ص ۵۳۷؛ سید رضی، نامه ۴۸)؛ تو مرا به حکم قرآن دعوت کردی، درحالی‌که اهل قرآن نیستی و حکم او را نمی‌خواهی.

در حقیقت، معاویه دشمنی بود که بیشترین بحران‌ها را برای حکومت حضرت امیر(ع) آفرید. او هم برپاکننده جنگ صفین بود و هم برپاکننده جنگ نهروان و هم

در تحریک آتش‌افروزان جنگ جمل نقش داشت. وی با حجم عظیمی از تبلیغات دروغین و به اصطلاح جنگ روانی مردم شام را کانون دشمنی اهل بیت(ع) ساخت. این حجم عظیم تبلیغاتی آنچنان مؤثر بود که بی‌چون و چرا دروغ‌های دستگاه خلافت شام پذیرفته می‌شد و هر انحرافی مورد قبول قرار می‌گرفت تا آنجا که سب امام علی(ع) همانند یک عبادت تلقی می‌شود که به تعبیر بلاذری در «انساب الاشراف»، کودکان بر آن سنت متولد شده و بزرگان بر آن روش می‌مردند. در یک کلام هر آنچه امروز استکبار جهانی ضد اسلام به کار می‌گیرد، نمونه‌ای از آن را می‌توان در سیره معاویه ضد امام علی(ع) دید. به عبارت دیگر، شاید بتوان بیانات حضرت(ع) در رابطه با ویژگی‌های شخصیت معاویه را در قالب نمودار شماره (۳) بیان نمود:





نمودار شماره ۳. ویژگی‌های شخصیتی معاویة در کلام امیرالمؤمنین (ع)

جمع‌بندی

نفس استفاده از روش تحلیل محتوا در رابطه با متون روایی همچون کلمات معصومان (ع) خود از جمله مهم‌ترین نتایج این تحقیق است؛ لکن دیگر نتایج این تحقیق را که در حقیقت بخشی از یافته‌های این مقاله است، چنین می‌توان بیان داشت:

۱. هدف از بعثت انبیا (ع)، ارشاد خلق و هدایت آن‌ها به سوی حق است و کلام امیرالمؤمنین (ع) نیز چون دربردارنده تمام مقاصد و اهداف شریعت است، و هیچ کلامی، جامعیت سخنان امام (ع) را ندارد، بنابراین بیانات آن بزرگوار جلوه‌ای از کلام خدا و پرتویی از گفتار رسول خدا (ص) است. به همین دلیل در تمام آنچه از سخنان

آن امام همام(ع) تحلیل شده است، می‌توان این روح کلی را دریافت کرد، به گونه‌ای که به ادعای ابن‌میثم (شارح نهج‌البلاغه) حتی یک جمله در غیر این منظور از آن حضرت یافت نشده و تماماً سخنان ایشان رنگ و نمودی از کلام خدا دارد و درعین حال، دارای بوی خوش کلام پیغمبر(ص) نیز است.

۳. از جمله نکات بسیار قابل توجه و مهم در تحلیل محتوای مکاتبات حضرت امیرالمؤمنین(ع) و معاویه، کثرت فراوانی کلمات حضرت در مکاتباتشان با معاویه است که این رقم حدود ۳ برابر بیشتر از کلمات معاویه است. این مطلب نشان می‌دهد که حضرت(ع) بر این جریان نامه‌نگاری، تبلیغ و هدایت معاویه تأکید بیشتری داشته و وقت بیشتری را نیز صرف این امر مهم کرده‌اند.

۴. از جمله مهم‌ترین موضوعات مطرح‌شده در نامه‌های حضرت علی(ع) خطاب به معاویه، مسئله سابقه دشمنی بنی‌امیه با اسلام و اشاره به حوادث تاریخ صدر اسلام است. در همین راستا حضرت(ع) بهترین راهکاری که برای این جریان و هدایت معاویه به کار گرفتند، توصیه و نصیحت‌های اخلاقی به معاویه برای ترک طمع، دنیاطلبی و هوی و هوس و همچنین، پرهیز از حسادت نسبت به مقام اهل بیت(ع) است.

این امر بدین دلیل است که معاویه بی‌شرمانه در موارد بی‌شماری به مذمت حضرت(ع) پرداخته و اتهاماتی را به ایشان نسبت داده است که البته حضرت(ع) نیز در هر نامه به صورت سلسله‌وار به پاسخ‌گویی در رابطه با اتهامات واردشده پرداخته‌اند.

۵. حضرت(ع) در خلال مباحث خود به صورت مستقیم به موضوع جنگ صفین نپرداخته‌اند، لکن در رابطه با شخصیت معاویه و علل دشمنی و مخالفت او با اهل بیت(ع) و بیعت عمومی مردم مسائلی را بیان کرده‌اند که براساس مدل منطقی تحلیل یک جنگ، شامل دو موضوع «ریشه‌ها و علل شکل‌گیری جنگ» و «شخصیت فرماندهان» می‌شود که از اهمیت والایی به جهت تحلیل یک واقعه نظامی برخوردار است. این موضوع در واقع کلیدی‌ترین مبحث در این مقاله است که به دنبال تبیین دیدگاه حضرت(ع) در رابطه با شخصیت معاویه است.

۶. حضرت امیرالمؤمنین(ع)، ریشه‌های اصلی شکل‌گیری جنگ صفین که ناشی از مخالفت معاویه با حضرت(ع) است، سه عامل اساسی می‌دانند که به ترتیب عبارت‌اند از: «اعتقادات نادرست و عدم ایمان واقعی معاویه به خداوند، پیامبر(ص) و اهل بیت(ع)»، «حکومت‌خواهی» و «طمع و دنیاپرستی» معاویه که موجب شده با اهل بیت پیامبر(ص) و مقام ایشان به حسادت برخیزد و تمام تلاش خود را برای ابقای در حکومت شام و در دست داشتن اموال بیت‌المال مسلمین داشته باشد.

۷. در رابطه با شخصیت معاویه در کلام حضرت علی(ع) نکته بسیار مهم، تفکیک مشکلات عقیدتی معاویه از رفتار و اخلاق وی است. حضرت علی(ع) با توجه به این مسئله که ریشه مشکلات رفتاری هر فردی در اخلاق، و ریشه مباحث اخلاقی نیز، مسائل اعتقادی است، در کنار نصایح اخلاقی، رفتاری، سیاسی و حکومتی به معاویه، بخشی را نیز به نصایح اعتقادی پرداخته و در حقیقت ریشه کلیه مشکلات معاویه را، عدم اعتقاد صحیح و ایمان واقعی او به خداوند و پیامبر اسلام(ص) می‌دانند. امام علی(ع) در مکاتبات خود، معاویه را با چند ویژگی توصیف می‌کند که موارد برجسته آن، عبارت است از: فرصت‌طلبی؛ کبر و خودپرستی؛ انحراف‌طلبی و استفاده ابزاری از مقدسات.

یادداشت‌ها

۱. content analysis

۲. text

۳. direction

۴. attention

۵. coding

کتابنامه

قرآن کریم.

نهج‌البلاغه، نسخه صبحی صالح، قم: انتشارات مؤسسه دارالهجره، بی‌تا.

- ابن ابی‌الحدید، عزالدین ابوحامد (۱۳۷۵)، *جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی.
- ابن‌اثیر، عزالدین أبو الحسن علی بن ابی‌الکرم (۱۳۷۱)، *الکامل فی التاریخ*، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی.
- ابن عبد ربّه، ابو عمر احمد بن محمد (۱۴۲۰ق)، *العقد الفرید*، تصحیح احمد امین و ابراهیم الانباری، قاهره.
- ابن کثیر الدمشقی، أبو الفداء اسماعیل بن عمر (۱۴۰۷ق)، *البدایة و النهایة*، بیروت: دار الفکر.
- ابومخنف ازدی، لوط بن یحیی (۱۴۲۳ق)، *الجمال و صفین و النهروان*، با تصحیح حسن حمید سنید، لندن: مؤسسه دارالاسلام، چاپ اول.
- انصاریان، علی (۱۳۶۶)، *شرح نهج البلاغه المقتطف من بحار الأنوار*، مصحح مرتضی حاجعلی فرد، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- باردن، لورنس (۱۳۷۵)، *تحلیل محتوا، ترجمه ملیحه آشتیانی و محمد یمنی دوزی*، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- بحرانی، علی بن میثم (۱۳۷۵)، *شرح نهج البلاغه*، مترجم قربانعلی محمدی مقدم و علی اصغر نوابی یحیی زاده، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- ثقفی کوفی، ابو اسحاق ابراهیم بن محمد (۱۳۷۳)، *الغارات*، ترجمه عزیز الله عطاردی، تهران: انتشارات عطارد.
- چوبینه، مهدی (۱۳۸۰)، *طرح مطالعاتی راهنمای برنامه درسی*، تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
- حسینی خطیب، سید عبد الزهراء (۱۳۶۷)، *مصادر نهج البلاغه و أسانیده*، بیروت: دار الزهراء.
- حسینی شیرازی، سید محمد (بی‌تا)، *توضیح نهج البلاغه*، تهران: دار تراث الشیعة.
- خوئی، میرزا حبیب الله هاشمی (۱۳۵۸)، *منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه*، مصحح سید ابراهیم میانجی، تهران: مکتبه الاسلامیه.
- داناوی فرد، حسن؛ الوانی، سید مهدی؛ آذر، عادل (۱۳۸۳)، *روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت*: رویکردی جامع. تهران: انتشارات صفار اشراقی.
- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم (۱۳۸۰)، *الإمامة و السیاسة المعروف بتاریخ الخلفاء*، ترجمه سید ناصر طباطبایی، تهران: ققنوس.

- دینوری، ابو حنیفه احمد بن داود (۱۳۷۱)، اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی، چ چهارم.
- زکی، محمدعلی (۱۳۸۵)، «تحلیل محتوای گرایش‌های پژوهشی در مجلات علمی تخصصی مدیریت»، فصلنامه دانش مدیریت، (زمستان ۱۳۸۵).
- سید رضی، محمدبن حسین (۱۳۷۰ش)، نهج البلاغه؛ ترجمه جعفر شهیدی، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۵)، تاریخ طبری؛ تاریخ الامم و الملوک، ترجمه ابو القاسم پاینده، تهران: اساطیر، چ پنجم.
- عزتی، مرتضی (۱۳۷۶)، روش تحقیق در علوم اجتماعی، چاپ اول، تهران: مؤسسه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس.
- فیروزان، توفیق (۱۳۶۰)، روش تحلیل محتوا، تهران: انتشارات آگاه.
- کرپندورف، کلوس (۱۳۷۸)، مبانی روش‌شناسی تحلیل محتوا، ترجمه هوشنگ نائینی، تهران: انتشارات روش.
- ابن اعثم کوفی (۱۳۷۹)، الفتوح (فتوحات امام علی در پنج سال حکومت)، ترجمه احمد روحانی، تهران: انتشارات دارالهدی.
- کیوی، ریمون و کامپنهود، لوک وان (۱۳۸۱)، روش تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: انتشارات توتیا، چاپ ششم.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۱۲ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ع)، تهران: دار الکتب الإسلامية.
- محمودی، محمد باقر (۱۳۷۶)، نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه، مصحح عزیز آل طالب، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- معارف، مجید (۱۳۸۳)، تاریخ حدیث شیعه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- موسوی، سید صادق (۱۳۷۶)، تمام نهج البلاغه، تهران: موسسه امام صاحب الزمان.
- هولستی، آل‌آر (۱۳۷۳)، تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی، ترجمه نادر سالارزاده امیری، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- یزدی، علامه محمد حسن بن محمد ابراهیم (۱۳۸۳)، سیف الواعظین و الذاکرین (تاریخ تفصیلی جنگ‌های جمل، صفین و نهروان)، تحقیق و نگارش مهدی احمدی، قم: انتشارات ثقلین.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی